



محمد واعظ زاده خراسانی

فتوحات مسلمین

جهاد در اسلام

میدان جنگ با صحنه فضیلت و اخلاق



در کلیه مقرراتیکه اسلام در شئون هادی و معنوی بشر وضع نموده ، جنبه اخلاق بطور کامل رعایت شده است ، از جمله در دستور های جنگی اسلام نکات حساسی بنظر میرسد که در حقیقت جنگ را از مفهوم زنده و قیافه هولناک خود بیرون برده ، و میدان جنگ را با صحنه فضیلت تبدیل نموده است !

جنگ یکی از خطرناکترین لحظات زندگی انسان است ، این کلمه در انتظار غیر از زدن ، بستن ، کشتن ، زبون ، انتقام ، غلبه بر حریف ، و نابودی دشمن مفهومی ندارد ، توحش ، شقاوت ، و جنگ این همه غالباً یک مفهوم را در اذهان مشخص مینمایند اما اسلام جنگ را طور دیگر تفسیر میکند ، اسلام میگوید : جنگ یعنی مبارزه با فساد و پلیدی ، ریشه کن نمودن ستم ، سر کوبی ستمگران ، و زنده کردن حق و حقیقت .

اصولاً در اسلام « جنگ » عنوان نشده است ، و در ققه فصلی بعنوان « حرب »

وطرح نیست ، آنچه مورد گفتگو است « جهاد فی سبیل الله » یعنی کوشش در راه خداست .

جهاد در نظر اسلام آخرین چاره برای درهم کوفتن شرک و کفرهای است ، موضوع جهاد بیشتر به مسئله تنبیه افراد و وظیفه شناس و مجازات مجرمین شبیه است که جز در مورد ضرورت و نااعلاجی پسندیده نیست ، دشمن پیغمبر اسلام درباره جهاد ناظر بهمین نکته است که میفرمود : « من الناس من لا يصلحه الا السيف » بارهای از مردم جز با شمشیر اصلاح نشوند .

آنها بیکه حتی در لحظات نهائی جنگ در ابرای يك صلح حقیقی تجویز نمیکنند لازمست خونخوارترین مجرمین را در خود مجازات ندانند ، هر چند چاره منحصر بفرد باشد و بوسیله دیگر توان او را از ارتکاب جرم باز داشت .

يك مطالعه دقیق در احکام جهاد ، دروش پیغمبر اسلام ﷺ در جنگها ، انسان را باین فکر میاندازد که گویا اسلام میخواسته است در میدان جنگ مکتب اخلاقی خود را معرفی نماید ، یعنی خواسته است در کشمکش مرگبار جنگ که دشمن نیز جلادی و بیرحمی انتظار ندارد ، چنان بزرگواری و عطاوت از طرف مشاهده کند که از ته دل وی را تحسین نموده ، و بکلی درباره طرف تغییر عقیده دهد .

حقیقت اینست که اسلام جنگ را برای صلح خواسته است ؛ و باین وسیله بطور اعجاز آمیز وی سابقه ای اوضاع درهم و درهم قسمت مهمی از جهان متبدن آن روز را در اندک زمانی سر و سامان داده است .

جنگ و پرستش خدا ، در نتیجه بیست و پنج ساله صلح و صلوات الله علیهم اجمعین ،

ابتکار اسلام در این است که با دخالک نمودن در همه شئون مادی و زندگی روزمره بشر ، تمام آن شئون رنگ معنوی ، و جنبه بندگی خدا بخشیده است .

خواب و خوردن ، مسکن و پوشاک ، زناشویی و روابط جنسی ، خرید و فروش

وعموم معاملات در روابطیکه در آسایش بشر دخالت دارد، همه مشمول قوانین اسلام میباشد، اما بارنگ معنوی، و در سایه حسن نیت و توجه با فریدگار، اسلام میگوید همه کار برای خدا و بنام او، و از این نظر اسلام رفتار و گفتار بشر را محدود ساخته و هر کاری را در خود پاداش عالم دیگر دانسته است.

اصولاً مرحله باریک تفاوت زندگی یک فرد مادی، و یک دین دار واقعی، همین نقطه است، زیرا فرد معتقد بخدا و غیر معتقد هر دو زندگی می کنند و از لذات جهان بهره میبرند، اما هدف و نظر آنان در زندگی و بطور کلی درباره جهان کاملاً از هم جداست فرد اول معتقد است که باید بین مادیات و معنویات هماهنگی و موازنه بوجود بیاید، و همواره کوشش میکند رفتاری با این اصل «هم آهنگی مادیات و معنویات» منطبق شود در صورتیکه فرد دوم جز مادیات چیز دیگری در نظر ندارد. چه خوب بود روزی بشر این نکته را باور میکرد: که حیات واقعی و زندگی لذت بخش تنها در سایه تعالیم مذهبی و آمیختگی زندگی مادی با بندگی و پرستش خدا میسر است؛ و بطور حتم باید گفت در این صورت زندگی در کام بشر طعم دیگری خواهد داد.

شهر شگاه
مطالعات فرهنگی

باتوجه باین نکته؛ اولین قدمیکه اسلام در موضوع جهاد برداشت، این بود که جنگ را بعنوان: «جهاد فی سبیل الله» اعلام کرد، و باین وسیله برنامه نویسی برای جنگ تنظیم نمود.

اسلام هرگز جنگ را بصورت و قیافه معمولی تصویب نکرد، و هیچگاه بمسلمانان نکفت: بروید بیکار کنید، ملتهارا بنده خود سازید، بر دنیا آقای و سیادت نمائید... خیر، منطبق اسلام چنین نبود، بلکه تکیه کلام قانونگذار اسلام در این باره، بر نزدیکی بخدا و نیل بسعادته ابدی است.

قرآن میگوید: «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة» (سوره

توبه - ۱۱۲) خدا جان و مال مسلمانان را در مقابل بهشت میخرد. بیغمبر (ص) فرمود: «شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ است. اسبهای مجاهدین در دنیا مرکبهای آنها است بسوی بهشت - بهشت را در دست بنام «باب المجاهدین» و هنگامیکه عموم مردم در پیشگاه عدل الهی سر کرم محاسبه اند، جنگجویان با شمشیرهای حمایل از آن در، داخل بهشت شوند، و فرشتگان بآنان خوش آمد گویند؛ (۱)

علی رضی الله عنه میفرمود: جهاد در دست از درهای بهشت که پروردگار آنرا بروی دوستان مخصوص خود گشوده است، جهاد جامه تقوی و زره پولادین خدا است. امام صادق رضی الله عنه میفرمود: از نمازهای واجب که بگذریم، عبادتی برتر از جهاد نیست شربت شهادت

اسلام میگوید جان دادن در راه خدا بزرگترین سعادت و بهره مسلمان است. پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمود: قطره‌ای محبوب تر نزد پروردگار از قطره خونیکه در راه خدا ریخته شود نیست!

علی رضی الله عنه میفرمود: از هر کس چاره‌ای نیست، هر کس بمرک طبعی نمیرد بالاخره کشته میشود، و بهترین مرگها جان دادن در راه خدا است، سوگند بکسیکه جانم در دست اوست، هزار شربت شمشیر برای من آسان تر است از مردن بر بستر، و نیز میفرمود: برتر از هر کار دیگری است، مگر اینکه مردی در راه خدا شربت شهادت بنوشد که دیگر برتر از آن عملی نیست.

امام صادق رضی الله عنه فرمود: هر کس در راه خدا شهید شود، پروردگار از لغزشهای او درگذرد. و نیز فرمود: بافضیلت ترین جهادها آنست که هر کس کسی در جنگ پی شود، و بدین وسیله خونش در راه خدا بریزد.

این چند جمله در میان صدها سخنان دیگر پیشوایان اسلام را درباره جنگ نشان دهد .
 این منطق پیش از آنکه فردی را روانه جنگ کند وی را از اغراض بست مادی باز داشته و بیاد خدای اندازد ، و با حسن نیت بی نظیر و آرزوی مرگ و پیوستن بحق ، او را بمیدان جنگ در سپارم بسازد .

بنابر این مسلمان فرمان جهاد را صرفاً یک دستور سیاسی نمیداند ، بلکه علاوه بر آن جهاد برای وی عبادت محسوب میشود ، وی از این نظر جنگ میکند که وظیفه خطیر بندگی را انجام دهد ، نه بمنظور کشورگشایی و استعمار ، بر واضح است آنکه سعادت را در جهان دادن و جدائی از زندگی مادی میداند با کسیکه هدفش از جنگ تأمین زندگی بهتر ، و بهره زیاد تر از محتاج دنیا است از نظر رفتار با دشمن کاملاً متفاوت است :

شخص اول علاوه بر اینکه دارای روحیه ای قوی ، و چون کوه از خود مقاومت نشان میدهد ، و قهر امید موفقیت در وی بیشتر است ، هرگز خدا را فراموش ننموده و از حدود مقررات عقل و شرع تجاوز نمیکند ؛ و از این جهت نتیجه جنگ جز سعادت و آشنائی ملت مغلوب با حق ؛ و رهایی از فشار حکومتها و قوانین جایزانه ، چیزی نخواهد بود .
 بعکس ، شخص دوم در عین حال که دارای روحیه ای متزلزل و نتوان از بار باره است ، از هیچ عمل منافعی حق و عدالت روگردان نبوده ، و هر چه از دستش بر آید میکند .
 پیداست غلبه چنین دشمنی جز بدبختی ملت مغلوب نتیجه ای در بر نخواهد داشت .

سر موفقیت

از اینجا میتوانیم راز موفقیت فاتحین صدر اسلام را در یابیم ، مسلمانان که فکرشان با این منطق آشنا شده بود جنگ را وسیله پیشرفت حق و عدالت و نیل بزرگترین پاداش میدانستند ، آنان معتقد بودند : اسلام یک ودیعه الهی است که توسط پیشوای اسلام با آنان رسیده است ، و موظفند آنرا بجهانیان برسانند ، و از هیچ چیز حتی از جان

خود در این راه مضایقه نکنند ،
 این بود از زن در فرزند هستی خود چشم پوشیده بدو در ترین نقاط جهان رفتند و درهای
 سعادت را بر وی جهانیان گشودند و چه بسیار که در صحنه نبرد، جان بجان آفرین تسلیم کرده
 و نام بر افتخار خود را برای همیشه با خون خویش در تاریخ ثبت نمودند، از طرفی حقایق
 برجسته اسلام و حسن رفتار آنان دلها را میربود و در هر کجا قدم مینهادند بجز عده
 انگشت شماری بود طلب که بر مردم حکومت میکردند افکار عمومی از آنان استقبال
 مینمود ، و از سوی دیگر مقاومت بی نظیر مسلمین صفوف پوشالی کفر را که بانیرنگ
 همان عده انگشت شمار بوجود آمده بود درهم میشکست ، و این دو موضوع هر گونه
 موفقیتی را برای آنان ممکن میساخت .

متأسفانه این روحیه عالی رفتاری از مسلمین سلب شد ، بطوریکه میتوان گفت
 از قرن سوم و چهارم بپسند ، بجز جنگهای سلطان محمود غزنوی بابت برستان ، و قسمتی از
 جنگهای عثمانی با اروپائیان ، سایر نبردهای مسلمین عنوان جهاد نداشته است ، حتی
 جنگهای دوست ساله صلیبی با اینکه جنبه مذهبی داشته است ، تنها بمنظور دفاع و
 بیرون داندن مهاجمین مسیحی از کشور اسلام پدید آمده است ، آری بجای جهاد
 مقدس ، از همان قرن اول جنگم های داخلی و برادر کشی بنیه معنوی مسلمین را
 تحلیل برد ، و بیگمان علل شکست و عقب ماندگی مسلمین را در قرون بعد باید نتیجه
 آن جنگها دانست .

جهاد و هدایت افکار

چنانکه میدانیم « امر بمعروف و نهی از منکر » یعنی دعوت بشکی و جلوگیری
 از بدی ، در رکن مهم از ارکان دین ما است ، و برای خود بخشی جدا و بمنزله اساس و پایه
 برای قسمتی از دستاوردهای دیگر اسلام شمرده میشوند ، ولی از نظر نتیجه و هدف با
 موضوع « جهاد » هم مشترک دارند ، زیرا هدف این هر سه مبارزه با بدی و برقراری

نیکی و بتعبیر دیگر هدایت افکار به پیروی از روش پسندیده ، و کناره گیری از فاسد و رفتار ناپسند می باشد .

نهایت اینکه این منظور در مورد جهاد با اعمال قدرت تأمین می گردد ، و در مورد آن دو ، به پند و اندرز ، علی علیه السلام می فرمود : . . . جهاد بر اساس امر بمعروف و نهی از منکر ، و راستگویی ، و سرزنش بدکاران گذارده شده است . و نیز می فرمود : اولین مرتبه جهاد مبارزه با قدرت بازو است ، و اگر ممکن نشد اقلامی باید بازبان و دل از بدکاران اظهار تنفر نمود . آنگاه در حدیث دیگر آمده است : « جهاد با زبان و دل از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : بزرگترین جهادها گفتار عدالت آمیز است نزد پیشوائی ستمگر !

از این چند سخن این نکته بدست می آید که کلمه «جهاد» در نظر اسلام معنی وسیعتری دارد بر دارد ، و آن مبارزه با هر گونه رویه غلط و دور از واقع است ، و از نظر اسلام مبارزه با منطق و استدلال ، بر جنگ تر جیح دارد و از این رو گفته است : « مداد العلماء افضل من دماء الشهداء » یعنی مرکب دانشمندان (که در نشر حقایق و هدایت افکار بکار می رود) بر خون شهیدان فضیلت دارد ؛ و بنا بر این باید گفت : بزرگترین مجاهدین در مکتب اسلام ، دانشمندان و رهبران میباشند .

و اینکه پیش از شروع جنگ مقرر شده که مسلمین دشمن را با اسلام دعوت کنند خود نیز هدف جنگ را روشن میکند : موقعیکه پیغمبر صلی الله علیه و آله را روانه « یمن » می فرمود بوی گفت : « مبادا با کسی جنگ کنی مگر اینکه او را با اسلام دعوت نمائی بخدا قسم اگر مردی بدست تو هدایت شود ، برای تو از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب میکند بهتر است !

جهاد اکبر

اسلام نه تنها هدایت و تهذیب دیگران را جهاد میدانند ، بلکه مبارزه با خواهشهای

نفس را نیز جهاد دانسته است و حتی از آن به «جهاد اکبر» تعبیر کرده است
 پیغمبر ﷺ بگروهی که از جنگ برگشته بودند فرمود: آفرین بر مردمی که «جهاد
 اصغر» را انجام داده اند؛ ولی هنوز «جهاد اکبر» بر عهده آنهاست، گفتند: جهاد اکبر
 چیست؟ فرمود: مبارزه با نفس سرکش، و نیز بعلی (ع) گفت: بالاترین جهاد آنست
 که انسان سعی کند قصد ستم بکسی را در دل نداشته باشد، *من كان في جهاد معك*
 امام صادق عليه السلام میفرمود: یکی از اقسام جهاد خودداری از گناه است، و این جهاد
 اعظم است، و قسم دیگر آن، سنت و روش نیکی است که انسان آنرا اشتهار نموده، و در راه
 ادامه آن مبارزه مینماید.



تا اینجا نظر اسلام در باره جنگ بطور کلی روشن گردید و برای شرح و تفصیل
 آن گفتار دیگری در باره دستورهای جنگی اسلام لازمست، اینک در خاتمه، یکی از
 سفارشهای پیغمبر اسلام را بلاشکریان خود هشگامیکه آنها را بجنگ می فرستاد،
 بعنوان شاهد برای مطالب فوق یاد آوری میکنیم:
 «بروید بنام خدا، با کمک خدا، در راه خدا، و بر روش فرستاده خدا، خیانت
 و مکر نکنید، اعضا، بدن کسی را نبرید، پیران از کار افتاده، زنان و کودکان را نکشید
 درختی را جز در صورت ناچاری قطع نکنید، هر يك از شما خواه پست ترین افراد باشد
 خواه شریفترین، چنانچه بکسی پناه داد آنکس مصونیت دارد تا سخن حق را بشنود، اگر
 بیرو شما گردید برادر شما خواهد بود؛ و گرنه حتماً او را پناهگاه خود برسانید، و در
 هر حال از خدا باری و کمک بخواهید.